

پیشگفتار

بنا به گواه تاریخ نوشتاری و گفتاری بشر و دیگر یادگارها و ماندگارهای فرهنگی و تمدنی مشترک جهانیان، دنیادید فرد تابع ابعاد مشخص معنوی و مادی جامعه‌ی مادر است. تصویری که از جهان هستی ذهن انسان را در کام اندیشه و اعتقاد برده است در تمام موارد، در عمل، در باور، در رفتار و بینش اجتماعی و زندگی فردی و دیگر فعل و انفعالات و کنش و واکنشهای فرد تأثیر مستقیم دارد.

به قدمت عمر انسان تلاش و مبارزه برای فراهم آوردن شرایط زندگی بهتر وجود داشته است. با وجود آنکه سطح درک و شناخت در جوامع قدیمی بعلت محدودیتها، که هم سنخ فرایافت تاریخی مشخصی هستند، مانع تعریف روشن و جامع از اصول حقوق بشر شده است، اذهان و درک عمومی با ملاکهای ابتدایی عدالت و رعایت حریم حیثیت انسانها آشنا بوده‌اند و طریقه‌ی ممارست مرزهای اختیاری و صلاحیتی نظام را با وسوسه‌ی زندگی و خرد خود مورد سنجش و داوری قرار داده‌اند. انسانها در طول هزاره‌های متمادی در تلاش برای بدست آوردن حقوق برابر بوده‌اند. علیرغم اینکه حقوق پایه‌ای انسانها در اعلامیه جهانی حقوق بشر تعریف و مشخص شده و اکثر کشورها آنها را برسمیت شناخته و متعهد به اجرای مفاد آن شده‌اند، کم نیستند انسانها و جوامعی که از همان حقوق پایه‌ای بطور سیستماتیک و برنامه‌ریزی شده توسط حکومتها محروم می گردند. جامعه یارسان یکی از آن جوامعی است که حقوق آنها در ابعاد گسترده از دیر باز تا کنون نقض شده و مورد تعرض قرار گرفته است.

تاریخ سیاسی و اجتماعی بشر پر از فرمانروایانی است که هرکدام با نام و لقبی جایگاهی برای خود بدست آورده‌اند، یا اینکه خود تاریخ عنوانی را برایشان شایسته دانسته است. اذهان و داوری عمومی مشترک، شهرداری را بیدادگر و شهرداری دیگر را دادگر شناخته است. با وجود آنکه حق عملکرد سیاسی از مردم از طرف نیروهای مستبد و ظالم سلب و حقوق آنها نقض شده است، اما مبارزه برای استقرار نظامی عادل که بتواند حقوق فردی و اجتماعی آحاد و اجتماعات را محترم بشمارد و به ارزشهای برابری، عدالت اجتماعی و اقتصادی و به آزادیهای فردی و اجتماعی تطور و بسط دهد در اکناف و اطراف جهان هنوز ادامه دارد. مردم یارسان

از این قبیل اجتماعات هستند که برای تحصیل و تحقق اهداف انسان محور به طرق مسالمت آمیز از دیر باز تا کنون مبارزه می کنند.

در غیاب حاکمیت مردمی، بنیادی ترین حقوق و آزادیهای انسانی شهروندان در جامعه، محدود، نقض و یا بطور کلی پایمال می گردد. تداوم چنین وضعیتی نارضایتی فردی و گروهی را بدنبال داشته و سبب بی ثباتی اجتماعی و سیاسی در جامعه میگردد. درجوامعی که اصل عدم تبعیض و اصل تساوی حقوق انسانها نادیده گرفته میشود، اساس همزیستی مسالمت آمیز در روابط انسانها به چالش کشیده میشود.

یارسان و هویت ملی

مردم یارسان پیروان آیین یاری، یکی از پایدارترین و اصیل ترین جوامع هستند که بخاطر دفاع از هویت، زبان و فرهنگ خود همچون دیگر بخشهای مردم کرد در کردستان همواره ازستم ملی و ستم مضاعف آیینی رنج برده اند. از آنجا که پروسه شکل گیری فرهنگ و ارزشهای اجتماعی و انسانی جوامع بشری، تحت تاثیر زبان، افکار، فلسفه های علمی و آیینی تکوین و تحول یافته است، جامعه یارسان نیز بواسطه دیدگاهها، باورها و اندیشه های فلسفی منحصر بخود و تحت تاثیر آیین یاری به ویژگیهای فرهنگی، ارزشهای انسانی و اجتماعی مختص به خود دست یافته است.

از مطالعه آثار و ادبیات کتبی و شفاهی یارسانی و همچنین باورها و رفتارهای آنان چنین استنباط میشود که بیشتر سنتها و مرسومات مرتبط با جامعه یارسان از دیرباز در میان کردها و دیگر قومیت های ساکن در فلات ایران بویژه در جوامع زاگرس نشین، رایج بوده اند.

جامعه ی یارسان از پیشقراولان و حاملین مشعل آزادیخواهی و سمت دهندگان مبارزات بومی در سرزمین ایران و کردستان می باشند. جامعه ی یارسان بعد از فروپاشی امپراتوری ساسانی و تثبیت قدرت سیاسی اعراب در سرزمین اجدادیشان، همدوش دیگر نیرهای اجتماعی در ایران و کردستان، در قرن دوم هجری دوران سکوت و خلوت و خلاء را شکستند و همدوش دیگر نیروهای اجتماعی در ایران وارد مبارزه علیه بیدادگرها و سیاستهای عرب سالاری شدند.

بنابه آثار یارسانی، متعاقب استیلای اعراب بر مناطق محل زیست یارسانیان، نهضت های متعددی دردورانهای مختلف در جهت حفظ و بازسازی هویتها و ساختارهای اجتماعی ما قبل اسلام از یکسو و مقاومت در برابر تهاجم سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اشغالگران از سوی دیگر در فواصل زمانی گوناگون شکل گرفته که می توان از برجسته ترین آنها به نهضت های بابا سرهنگ دودانی قرن دهم میلادی، شاه خوشین لرستانی قرن یازدهم میلادی و بابا ناووس جاف اشاره نمود.

تداوم این نهضتها سرانجام به دوره‌ی سلطان سهاک برزن‌جی در قرن سیزدهم میلادی و ظهور و علنی شدن آیین یاری می انجامد. در این دوره قراردادی تحت عنوان "بیاوبس پردیوری" یا "بیاوبست پردیوری" منعقد میشود ("پردیور" نام محلی در اوامان کردستان ایران است) در این قرار داد اصول اعتقادی آیین یاری، آرمانها و اهداف و شیوه رهبری جامعه از طریق نظام شورائی "پیر و پادشاهی" مشخص میشوند. مبارزو و مقاومت در جهت حفظ هویت فرهنگی و آیینی بر اساس شالوده‌ای از باورهای کهن پیش از اسلام رایج در میان کردان سازماندهی میشود. رنسانس فکری در جهت اصلاح اخلاقی انسان و جامعه و ترفیع مقام و جایگاه انسان و بیرون رفت از انحطاط ارزشی بر اساس چهار اصل "راستی، پاکی، نیستی و ردا" شکل میگیرد. برابری و عدالت اجتماعی و رسیدن به نوعی از سیادت و خودگردانی اتنیک در حین عشق و وفاداری به حفظ و حراست از کیان ایرانی و اسطوره‌ای ماد میترائی در دستور کار قرار میگیرد.

تداوم نظام پیرو پادشاهی و ادامه رسالت تعریف شده در پیمان پردیوری از طریق تشکیل "جم‌های (جمع، شورا) و خاندانهای یاری میسر و عملی میگردد که تا کنون نیز بقوت خود باقی مانده است.

دوره سید حیدر ملقب به سید براکه گوران در اوایل قرن نوزدهم میلادی جلوه دیگری از تداوم نهضت یاری است. این دوره از تلاش یارسانیان برای کسب شناخت واقعی از مبانی فکری، آیینی، فرهنگی و تاریخی خود و همچنین گردآوری آثار و ادبیات یارسانی از اهمیت محوری برخوردار است.

جامعه یارسان امروزی، وارث اعتقاد یاری، پیمان پردیوری با ارزشها، آرمانها و رسالتهای آن است. رسالتهایی که نه تحقق یافته‌اند و نه به فراموشی سپرده شده‌اند. ستمی که بر جامعه یارسان نیز روا دیده شده است تا حدود زیادی نیز ریشه در پایداری و مقاومت آنان در جهت حفظ همین میراثها بوده است.

وضعیت سیاسی اجتماعی جامعه‌ی یارسان

جامعه یارسان یکی از جوامعی است که بی حقوقی را در تمامی عرصه‌ها و در ابعاد وسیع تجربه کرده و این جامعه در تاریخ موجودیت خود شاهد تداوم نبردی نابرابر در جهت حفظ موجودیت و ساختار هویتی خویش است. ستم آیینی، مضاعف بر ستم ملی، نابرابری حقوقی و محرومیت از بهره گیری از امکانات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، منجر به عدم رشد استعدادهای فردی و جمعی جامعه یارسان گردیده و سبب شده است که مناطق یارسان نشین جزو محرومترین نقاط کردستان و ایران باقی بماند و قربانی سیاست آسیمیلیاسیون (حل و یکسان سازی) شود. تنگ نظری اجتماعی و ناآگاهی وسیع در سطح جامعه نیز همگام با این سیاست عمل نموده و در به انزوا کشاندن جامعه یارسان نقش خود را ایفا نموده است. انتشار

اکاذیب و تعریفات جعلی از هویت یارسانها بطور دانسته و ندانسته، از جانب خودی و بیگانه سبب شده که همسایگان غیر یارسانی ما نسبت به دین یاری دچار شک و تردید شوند و خود یارسانها نیز به نسبت اعتقادات و هویت خود دچار سردرگمی و چندقانگی باشند. پیروان آیین یاری با عناوین بی مصداقی همچون اهل حق، علی الهی، شیطانپرست مورد خطاب قرار گرفته‌اند.

لازم به ذکر است که اکثر پیروان این آیین در کردستان ایران زندگی میکنند. آیین یاری در بین لرها، آذریها و فارسها نیز دارای پیروان زیادی است. در عراق و کردستان عراق از یارسانها تحت عنوان "کاکه‌یی" نام برده میشود.

انقلاب سال 1357 و تغییر در ساختار سیاسی و استقرار حاکمیت دینی در ایران، انواع تنشهای سیاسی و اجتماعی را به دنبال داشت. مبارزات آزادیخواهانه از یکطرف و اقتدارطلبی سیاسی و دینی از طرف دیگر منجر به اعلام جنگی ناعادلانه علیه نیروهای آزادیخواه، اقلیتهای ملی و دینی در سراسر ایران و کردستان و بتبع آن علیه مردم یارسان گردید که این جنگ خود را در قاموس بمباران، کشتار مردم بی دفاع و محاصره‌ی اقتصادی و اعمال محرومیت‌های اجتماعی نشان داد.

نظام حاکم کنونی در ایران بر اساس احکام شریعت اسلامی و ایدئولوژی ولایت فقیه استوار است. در این نظام مذهبی، یکی از پیش شرطهای برخورداری از حق شهروندی برابر، اعتقاد به مذهب حاکم و وفاداری به نظام ولایت فقیه است. در نتیجه مردم یارسان همراه با سایر اقشار جامعه که پیرو مذهب مورد نظر حاکمیت نیستند از حق شهروندی محروم و محکوم به تحمل اجحافات، بی حقوقی و تبعیضات فاحش غیر انسانی شده‌اند.

با وجود آنکه یاری تنها آیین رایج و متداول در میان یارسانیان اسیر در چنگال نظام جمهوری اسلامی است، موجودیت آن انکار شده و پیروان این آیین کهن نه تنها به رسمیت شناخته نشده‌اند، بلکه بر اساس بندهای ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران، حقوق پایه‌ای و موجودیت جامعه یارسان نیز نفی شده، و پیروی از این آیین تا حد ارتکاب به جرم و نقض قوانین جمهوری اسلامی محسوب شده است.

مردم یارسان در همان ابتدای به انحراف رفتن انقلاب ۵۷ و تبدیل شدن آن به یک حکومت مذهبی، نارضایتی خود را نسبت به این روند به شکلهای گوناگون نشان دادند. در همان اوایل پیروزی انقلاب و در ادامه سیاستهای سرکوبگرانه جمهوری اسلامی سرکوب بی رحمانه مردم یارسان شروع شد و رفتار بی رحمانه حکومت اسلامی منجر به فرار و آواره گی هزاران نفر از این مردم به کشورهای مجاور از جمله عراق شد.

مردم یارسان در راستای مبارزه حق طلبانه برای بدست آوردن حقوق اجتماعی خود در طول سه دهه اخیر دست به تشکیل سازمانها و جنبشهای سیاسی که در زیر به

آنها اشاره میشود زده‌اند.

تشکیل جنبش مقاومت جامعه اهل حق در اوایل دهه هشتاد میلادی

در ابتدای دهه هشتاد میلادی، بخشی از یارسان با تشکیل جنبش سیاسی/ نظامی (جنبش مقاومت جامعه‌ی اهل حق) در مناطق آزاد شده کردستان، مبارزات خود را بطور همزمان و در پیوند با جنبش ملی دمکراتیک مردم کردستان و ایران به پیش بردند، اما بدنبال تحولات سیاسی و نظامی و همچنین محدودیتهای فراوان در منطقه، این جنبش امکان تداوم نیافت و منحل گردید.

تأسیس دو سازمان یارسانی جنبش دمکراتیک یارسان و یاریکورد

در اوایل دهه‌ی نود، و انتقال بخش زیادی از مردم یارسان به کشورهای پناهنده پذیرغربی، امکان نوعی بازبینی و گرایش بسوی سازمان یابی مجدد فراهم گردید، و بدین ترتیب امکان ایجاد تشکلهای فرهنگی و سیاسی توسط اعضای برونمرزی این جامعه بوجود آمد.

زندگی در جوامع دمکرات به درک و آشنای جامعه‌ی یارسان از حقوق فردی و اجتماعی سرعت بخشید. گفتمان رایج تعدد فرهنگها در کشورهای اروپای امکان آشنای با کار سازمانی دقیق و فعالیت اجتماعی سالم مبنی بر نگرش پلورالیستی سیاسی و فرهنگی بخش برونمرزی را وادار به ایجاد تشکلهای فرهنگی، سیاسی، پناهندگی و مدنی کرد.

در تقابل با وضعیت موجود، اعضای جامعه‌ی برونمرزی یارسان، پس از بحث و بررسی های متعدد به این نتیجه رسیدند که مبارزه مسالمت آمیز، و طرح خواسته‌های عادلانه‌ی مردم یارسان در بستر موقعیت سیاسی حاضر، امری لازم و ضروری است و در نتیجه ایجاد یک تشکل سیاسی که بتواند بزبانی گویا این خواسته‌ها را بیان کرده و توان عمومی را در راستای رسیدن به آنها بسیج نماید، ضروری مینود. نتیجه این ضرورت به تأسیس جنبش دمکراتیک یارسان در مارس ۲۰۰۷ و سازمان یاریکورد در سال ۲۰۱۰ منجر شد.

معرفی سازمان دمکراتیک یارسان

جنبش دمکراتیک یارسان و یاریکورد با توجه به اهمیت اتحاد و همصدائی نیروهای سیاسی و اجتماعی و جذب هر چه بیشتر فعالین و نیروهای یارسانی برای نیل به

اهداف خود زمینه برگزاری یک کنگره مشترک تحت عنوان "کنگره اتحاد یارسان" فراهم آوردند که منجر به تأسیس سازمان دمکراتیک یارسان شد.

سازمان دمکراتیک یارسان یک تشکل سیاسی، دمکراتیک و معتقد به پلورالیسم سیاسی است. جریانی است که خود را متعهد به دفاع از اعلامیه جهانی حقوق بشر، الحاقات و میثاقهای مربوطه میداند و خواهان برقراری یک نظام سکولار و دمکراتیک در ایران بمنظور نیل به آزادی، دمکراسی، عدالت اجتماعی و حاکمیت قانون و کسب حقوق مطرح در اعلامیه مذکور است.

سازمان اتحاد دمکراتیک یارسان معتقد است که جامعه یارسان میبایستی همزمان که در جهت رفع ستم ملی و آیینی بر خود میکوشند، در سطوح مختلف مبارزاتی دیگر نیز همگام با مبارزات عدالتطلبانه و آزادیخواهانه اقشار اجتماعی حرکت کند. این سازمان معتقد است آزادی زن یارسانی، بسته به آزادی زن در جامعه بزرگ ایرانی، کردستانی است. کسب حقوق کارگر، کشاورز، اندیشمند یارسانی نیز باید در همین پیوستگی پیگیری و حصول شود.

برای تحقق و رسیدن به آرمانهای انسانی جامعه یارسان این تشکل، خود را متحد طبیعی جریانات آزادیخواه و دمکرات کردستانی و ایرانی می داند، و انتظار دارد از همکاری و پشتیبانی این جریانات و احزاب برخوردار شود.

مبارزه ی سازمان اتحاد دمکراتیک یارسان مسالمت آمیز و بر واقعیت و اعتقاد به پلورالیسم فرهنگی و سیاسی استوار است. غایت مبارزه سادی زندگی خوب و تأمین سعادت و امنیت برای آحاد، اجتماعات و افراد است. بعد دیگر مبارزه معطوف به احیای وجدان و بینش ارزشهای فرهنگی و حضور تاریخی در پاسداری از سرمایه های بومی در ایران و کردستان می باشد.

اهداف و خواسته ها

۱. رعایت و اجرای مفاد منشور حقوق بشر مصوب ۱۰ مارس ۱۹۴۸ سازمان ملل و الحاقات و میثاقهای مربوط به آن.

۲. تمرکز زدائی سیاسی از طریق سپردن اداره امور به مناطق و جوامع اتنیک از طریق رای گیری دمکراتیک
۳. جدایی دین از دولت و لغو دین رسمی در کشور. تلقی دین به عنوان امر خصوصی افراد بر پایه احترام و برخورد یکسان با پیروان ادیان و مذاهب
۴. برخورداری از حقوق شهروندی برابر، صرف نظر از تعلقات اعتقادی و هویتی بمنظور ایجاد امکان همزیستی مسالمت آمیز اقشار اجتماعی در کنار یکدیگر
۵. اجرای عدالت از طریق دستگاه قضائی غیر وابسته به دین و دولت
۶. ممنوعیت اخذ اطلاعات اعتقادی افراد در فرمهای گزینشی دولتی و غیر دولتی
۷. تعیین حداقل استانداردهای معیشتی و بهداشتی
۸. جبران عقب ماندگیهای اجتماعی، اقتصادی از طریق تخصیص بودجههای اضافی به مناطق محروم و کاهش تفاوت استانداردهای شهری و روستایی
۹. دخالت نمایندگان مردم یارسان که از طریق آراء مخفی و مستقیم انتخاب شده باشند، در مجالس قانونگذاری محلی و سراسری و دیگر مجامع و نهادهایی که در رابطه با حقوق شهروندی در طرح و تصویب قوانین دخیلند.
۱۰. واگذاری حق اداره امور جامعه ی یارسان به مردم بومی و حق داشتن یک مجمع که نمایندگی آنها را در مذاکرات رسمی بعهده بگیرد.
۱۱. ایجاد تسهیلات آموزش زبان مادری. کشف، ثبت و حفظ آثار و ادبیات یارسانی و تأسیس مراکز علمی/تحقیقی به این منظور.
۱۲. فراهم شدن شرایط بازگشت آوارهگان و پناهندهگان مطابق با استانداردهای انسانی و جبران خسارات مادی به آوارهگان و قربانیان درگیریهای ناخواسته

اساسنامه سازمان اتحاد دمکراتیک یارسان

ماده ۱. نام و هویت تشکل

۱. نام تشکل "سازمان دموکراتیک یارسان" با علائم اختصاری سدی و نام انگلیسی آن Yarsan Democratic Organization با علائم اختصاری YDO است.
۲. اتحاد دموکراتیک یارسان تشکلی است مستقل با ساختار دموکراتیک.

ماده ۲. عضویت

۱. تمامی افراد بالای ۱۶ سال که برنامه و اساسنامه تشکل را بپذیرند و متعهد به رعایت مفاد آن بشوند، طبق درخواست کتبی و تأیید یکی از کمیته‌های سازمانی می‌توانند به عضویت آن درآیند.
۲. اعضاء جریان‌ات سیاسی دیگر نمیتوانند بطور همزمان در سازمان دموکراتیک یارسان عضو باشند.
- تبصره ۱. این بند شامل سازمانهای خارجی در کشورهای محل اقامت نمیشود.

ماده ۳. وظایف اعضاء

۱. تلاش برای تحقق اهداف و آرمانهای تشکل.
۲. پایبندی به اصول و نظم تشکیلاتی.
۳. تلاش برای حفظ وحدت جامعه یارسان.
۴. پرداخت حق عضویت سالانه بر اساس تصمیمات کمیته مرکزی بطور یکسان برای تمام اعضا.
- تبصره ۱. متقاضیان پناهندگی، دانشجویان و افراد بین ۱۶ تا ۱۸ سال ۵۰٪ از حق عضویت سالانه را پرداخت خواهند نمود.

ماده ۴. حقوق اعضاء

۱. حق شرکت در کنگره.
۲. حق انتخاب کردن و انتخاب شدن.
- تبصره ۱. اعضاء کاندیدهای ارگانهای رهبری باید بالای ۱۸ سال باشند.
۳. حق ارائه پیشنهاد و انتقاد.
۴. اعضاء تشکل از حقوق برابر برخوردارند.

ماده ۵. سلب عضویت

۱. اعضایی که موازین و مقررات سازمان را نقض نمایند و یا به هر شکلی در جهت مخالف مصالح سازمان اقدام کنند، بعد از ابلاغ شفاهی و یک ابلاغ کتبی

- مورد مجازاتهای سازمانی از قبیل تعلیق مقطعی عضویت ، سلب مسئولیت تشکیلاتی و اخراج قرار می گیرند .
۲. درخواست اقدامات تنبیهی توسط کمیته اجرائی تهیه و برای تصمیم نهایی در اختیار کمیته مرکزی قرار می گیرد .
۳. تشکل حق دارد که در صورت لزوم افراد خاطی را از طریق مراجع ذیصلاح مورد پی گرد قانونی قرار دهد .
۴. وظایف، اختیارات و امتیازات افراد اخراجی و مستعفی بعد از آنان سلب میشود .

ماده ۶. ارگانهای تشکیلاتی

۱. ارگانهای اصلی تشکیلات شامل کنگره، کمیته مرکزی و کمیته اجرائی است
۲. کمیته بازرسی مالی، کمیته انتخابات، کمیسیون تهیه و تدوین برنامه و اساسنامه و کمیته‌های کشوری و شهری از دیگر ارگانهای وابسته هستند .

ماده ۷. کنگره

۱. کنگره عالی ترین ارگان تشکل است ، و ازکسانی که در فاصله بین دو کنگره، مشروط بر اینکه حداقل سه ماه از عضویت آنان گذشته باشد، تشکیل می گردد .
۲. کنگره فی ما بین دو ، یا حداکثر سه سال یکبار برگزار می شود .
۳. کنگره با شرکت ۲/۳ اعضاء رسمیت می یابد .
۴. پیشنهادات با کسب رای نصف +۱ اعضاء در کنگره بتصویب می رسد .
۵. هیئت رئیسه‌ی، کنگره اعضاء کنگره انتخاب می کنند .
۶. کنگره فوق العاده بنا بر درخواست ۲/۳ کمیته‌ی مرکزی یا ۲/۳ اعضاء برگزار می شود .
۷. سازماندهی، تعیین زمان و مکان برگزاری کنگره از اختیارات کمیته مرکزی است .
۸. برگزاری کنگره باید حد اقل ۲ ماه قبل از آن به اطلاع اعضاء رسیده باشد .

ماده ۸. وظایف و اختیارات کنگره

۱. تصویب برنامه و اساسنامه و ایجاد تغییرات در آن .
۲. انتخاب کمیته مرکزی و اعضاء اللبدل از طریق انتخابات آزاد و دمکراتیک .
۳. تعیین هیأت بازرسی مالی
۴. تعیین کمیته انتخابات
۵. برگزاری کنفرانس سالانه قبل از کنگره .

ماده ۹. کنفرانس سالانه

۲. نشست سالانه هر سال یک بار و با شرکت کمیته مرکزی، کمیته اجرایی نمایندگان کمیته‌های کشوری و شهری، نمایندگان کمیته‌ها و کمیسیونهای مختلف تشکیل می‌گردد.

۳. ریاست این جلسات را سخنگو، ۲ نفر از اعضای کمیته‌ها و دو نفر از واحدهای کشوری بعهدہ خواهند داشت.

ماده ۱۰. وظایف و اختیارات کنفرانس سالانه

۱. بررسی فعالیتهای سالانه کمیته‌ها، کمیسیونها و واحدهای کشوری و شهری، همچنین بررسی موانع و مشکلات سر راه.
۲. ارائه پیشنهادات و راهکارهای مناسب در جهت رفع مشکلات و پیشبرد اهداف سازمان و ارگانهای مربوطه.

ماده ۱۱. کمیته مرکزی

۱. اعضای کمیته مرکزی، توسط کنگره انتخاب می‌گردند و بالاترین ارگان مسئول در فاصله بین دو کنگره هستند.
۲. کسانی می‌توانند در انتخابات شرکت کنند که مدت ۶ ماه از عضویت آنها گذشته باشد.
۳. تعداد اعضای اصلی کمیته مرکزی و اللبدل در کنگره و بر حسب نیاز تعیین می‌شود.
۴. جلسات کمیته مرکزی هر دو ماه یکبار و جلسات فوق العاده بنا به درخواست ۲/۳ کمیته مرکزی برگزار می‌شود.
۵. تصمیمات کمیته مرکزی در صورت توافق ۲/۳ اعضاء حاضر در جلسات قابل اجرا خواهد بود.
۶. مخارج کمیته مرکزی از محل بودجه سازمان تامین می‌گردد.

ماده ۱۲. وظایف و اختیارات کمیته مرکزی

۱. مجری برنامه و تصمیمات، سیاست و استراتژی مصوبه کنگره است.
۲. انتخاب کمیته اجرایی از بین اعضاء کمیته مرکزی
۳. تقسیم وظایف اعضاء کمیته مرکزی و ایجاد پستهای مورد نیاز
۳. تأسیس نهادهای ضروری با حفظ اصول و موازین تشکیلاتی.
۴. تهیه و تدوین مقررات و آیین نامه‌های داخلی و اجرایی.
۵. طرح پیشنهادات و راهکارهای مناسب برای تغییرات لازم در برنامه و اساسنامه.
۶. انتشار بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های تشکل.
۷. نظارت بر اعمال کمیته‌ها و کمیسیونها.

۸. مطالعه و بررسی امکان همکاری و جلب پشتیبانی در سطح کشوری و بین المللی در راستای پیشبرد اهداف سازمانی.
۹. بررسی بودجه سازمانی و طرق تهیه آن
۹. رسیدگی به شکایات و انتقادات اعضا و بررسی عضویت اعضا

ماده ۱۳. کمیته اجرایی

۱. بالاترین ارگان رهبری تشکل در خلال دو نشست کمیته مرکزی است.
۲. کمیته اجرایی هر ماه یک بار تشکیل جلسه میدهد.

ماده ۱۴. وظایف و اختیارات کمیته اجرایی

۱. کمیته اجرایی مسئول پیشبرد و عملی کردن تصمیمات کمیته مرکزی است
۲. گزارش کار به کمیته مرکزی.
۳. مسئول ایجاد و ادامه روابط با جریانات و شخصیت‌های مستقل است.
۴. مسئول انتشار بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های سازمانی است.
۵. نظارت بر اعمال کمیته‌ها و کمیسیون‌ها.
۶. تنظیم بودجه سازمانی و ارائه آن به کمیته مرکزی جهت بررسی
۷. بررسی شکایات اعضا و رجوع آن به کمیته مرکزی جهت اتخاذ تصمیم نهایی.

ماده ۱۵. واحدهای کشوری و شهرستانی

۱. اعضا موظفند در کشور یا شهرستان محل اقامت خود برای پیشبرد برنامه‌های سازمان خود را سازماندهی کنند.
۲. مسئولین هر واحد از طریق انتخابات محلی انتخاب می‌شوند.

ماده ۱۶. کمیته بازرسی در امور مالی

۱. کمیته بازرسی مرکب از ۳ نفر است، که توسط کنگره انتخاب می‌گردند.
۲. اعضای کمیته بازرسی باید عضو کمیته مرکزی یا کمیته اجرائی نباشند.
۳. کمیته بازرسی نظارت مستمر بر امور مالی را دارد.
۴. کمیته بازرسی نتایج کار خود را به کمیته مرکزی، کنفرانس سالانه و کنگره گزارش می‌کند.

ماده ۱۷. کمیسیون تهیه و تدوین برنامه و اساسنامه

۱. تدوین و تنظیم برنامه و اساسنامه و ارائه آن به کمیته مرکزی و کنگره

ماده ۱۸. کمیته انتخابات

۱. کمیته انتخابات مرکب از سه نفر است که توسط کنگره انتخاب می گردند.
۲. کمیته انتخابات افراد شایسته را برای ارگانهای رهبری به کنگره پیشنهاد می کند.
۳. عمل انتخابات را در طی برگزاری کنگره عهده دار است.

ماده ۱۹. امور مالی

1. احتیاجات مالی سازمان از طریق حق عضویت اعضاء و کمک نهادهای خیریه و کمکهای مردمی تأمین میگردد.

ماده ۲۰. انحلال تشکل

۱. انحلال تشکل در صورت توافق ۲/۳ اعضاء عملی می گردد و همان مجمع در مورد امور مالی و دارایی تشکل تصمیمات لازم را اتخاذ می نمایند.

ماده ۲۱. انتخاب شعار تشکل

"آزادی، یکسانی، آرمان یارسانی" بعنوان شعار تشکل انتخاب گردید.

ماده ۲۲. تصویب و اجراء

سازمان دمکراتیک یارسان با نام اختصاری سدی در تاریخ ۷ و ۸ ژوئن ۲۰۱۴ در طی برگزاری کنگره ۲ در شهر اسلو نروژ برنامه و اساسنامه خود را به تصویب کنگره رسانید و مفاد برنامه و اساسنامه آن از تاریخ مذکور لازم به اجرا گردید.

پایان
